

روح القدس و کار او  
درس ۳: پاراکلیت  
دکتر آر. سی. اسپرول

در باب ۱۵ انجیل یوحنا، عیسی درباره‌ی چند چیز صحبت می‌کند، اما یکی از نکات اصلی که در این صحبت‌هاش مطرح می‌کند، تنفره. شاید این برامون عجیب باشه، چون ما به تفکر درباره‌ی مرکزیت محبت در تعالیم عیسی و قطعاً در انجیل یوحنا عادت کردیم.

اما در باب ۱۵، عیسی درباره‌ی تنفری صحبت می‌کند که دنیا نسبت به او داشت. و در نتیجه‌ی این تنفری که دنیا به عیسی ابراز می‌کرد، حالا عیسی در این صحبت‌هاش بالاخانه به شاگردانش هشدار میده که باید از دنیا چه انتظاری داشته باشند. می‌گه اگه دنیا از من متنفر بود، پس معلومه که از شما هم متنفر خواهد بود. و در این سخنرانی، در آیه‌ی ۱۸ اینطور می‌گه: «اگر جهان شما را دشمن دارد، بدانید که پیشتر از شما مرا دشمن داشته است. اگر از جهان می‌بودید، جهان خاصان خود را دوست میداشت. لکن چونکه از جهان نیستید بلکه من شما را از جهان برگزیده‌ام، از این سبب جهان با شما دشمنی می‌کند.»

و بعد در ادامه درباره‌ی جفا صحبت می‌کند و در وسط این صحبت‌ها، موضوع خیلی مهمی رو معرفی می‌کند و اون موضوع، تسلی‌دهنده‌ی موعوده که او خواهد فرستاد تا در این دنیای متخاصم با قومش باشه. حالا سؤالیه که غالباً از دانشجو هام در دانشکده‌ی مسیحی می‌پرسم که ببینم چقدر با آیات کتاب مقدس آشنایی دارند، همون سؤال رو از شما که امروز گوش می‌کنید، می‌پرسم: «پاراکلیت کیه؟»

ما کلمه‌ی «پاراکلیت» رو گاهی اوقات در ادبیات مسیحی می‌بینیم. پاراکلیت کیه؟ این سؤالیه که از دانشجو هام در دانشکده‌ی مسیحی می‌پرسم، این سؤال رو امروز از شنوندگانم می‌پرسم. کسی می‌تونه به من بگه پاراکلیت کیه؟ روح القدس. من می‌دونستم که می‌گید روح القدس، اما این اشتباهه. اولین، ممنونم که در این بازی شرکت کردی. خُب، این کاملاً اشتباه نیست.

اما وقتی به عنوان پاراکلیت فکر می‌کنیم، تقریباً همیشه بلافاصله به روح القدس فکر می‌کنیم، چون این عنوانی هست که به روح القدس نسبت می‌دیم، اما می‌خوام یک اصلاح کوچیک انجام بدم، اینکه وقتی مسیح، پاراکلیت رو معرفی می‌کند، به قومش می‌گه: «من پاراکلیت دیگری نزد شما می‌فرستم.» پس واقعاً روح القدس در عهدجدید به عنوان پاراکلیت دیگر معرفی شده.

حالا معلومه که برای وجود یک پاراکلیت دیگه، باید حداقل یک پاراکلیت قبلی باشه که پاراکلیت دیگه‌ای بتونه وجود داشته باشه. و وقتی به عهدجدید نگاه می‌کنیم، کلمه‌ی یونانی "پاراکلیتوس" که به کلمه‌ی انگلیسی

"پاراکلیت" ترجمه شده یا حرف به حرف نگارش شده، می‌بینیم که این عنوان، پاراکلیت، در ابتدا به روح القدس تعلق ندارد، بلکه به خود عیسی تعلق دارد.

عیسی در عهدجدید به عنوان پاراکلیت مکشوف میشه، و بعد روح القدس، پاراکلیت دوم یا پاراکلیت دیگری در کنار عیساست. حالا من فقط برای تفریح به مطالعه‌ی این عنوان نمی‌پردازم، بلکه چون اهمیت زیادی دارد، مخصوصاً درک مفهوم اون، نه تنها در ارتباط با عیسی، بلکه در ارتباط با شخص و کار روح القدس، مهمه.

اجازه بدید قبل از این کار، به باب ۱۶ برگردیم- یا باب ۱۵ یوحنا، در آیه‌ی ۲۵ عیسی میگه: «بلکه تا تمام شود کلامی که در شریعت ایشان مکتوب است که "مرا بی‌سبب دشمن داشتند." لیکن چون تسلی دهنده این ترجمه‌ایه که من می‌خونم، ترجمه‌های دیگه میگن: «وقتی آن مشاور آید»، ترجمه‌ی قدیم میگه: «وقتی آن تسلی دهنده آید.» که او را از جانب پدر نزد شما می‌فرستم آید، یعنی روح راستی که از پدر صادر می‌گردد، او بر من شهادت خواهد داد.

و شما نیز شهادت خواهید داد زیرا که از ابتدا با من بوده‌اید. این را به شما گفتم تا لغزش نخورید. شما را از کنایس بیرون خواهند نمود؛ بلکه ساعتی می‌آید که هر که شما را بکشد، گمان برد که خدا را خدمت می‌کند. و این کارها را با شما خواهند کرد، بجهت آنکه نه پدر را شناخته‌اند و نه مرا.

لیکن این را به شما گفتم تا وقتی که ساعت آید به خاطر آورید که من به شما گفتم.» حالا، دوباره می‌بینیم که محیط گفتگوی عیسی درباره‌ی فرستادن تسلی دهنده، فرستادن روح القدس، در پیش زمینه‌ی تنفر و جفای پیشگویی شده هست. حالا، از لحاظ تاریخی در کلیسا، ایده‌ی پاراکلیت از لحاظ خدمت روح القدس، با تسلی همراه بوده، چون ما از عنوان تسلی دهنده در رابطه با روح القدس استفاده می‌کنیم.

و این جنبه‌ای هست که در اون چیز مهمی رو درباره‌ی خدمت خدای روح القدس نادیده می‌گیریم. یک لحظه به فیلسوف فردریک نیچه فکر می‌کنم که در قرن ۱۹، همونطور که می‌دونید، مرگ خدا رو اعلام کرد. اما نیچه نسبت به تأثیر مسیحیت در تمدن غربی، رفتار نسبتاً انتقادآمیزی داشت. او گفت خدا مُرده. او از ترحم و دلسوزی مُرد. و چیزی که نیچه از اون متنفر بود، یک نظام اخلاقی بود که به عنوان نظام اخلاقی ضعیفی در نظر می‌گرفت که توسط کلیسای مسیحی در اروپای غرب تکثیر شده بود و بر فروتنی و صبر و مهربانی تأکید می‌کرد، وقتی او میگه: «بشریت حقیقی و واقعی در آبرانسانی یافت می‌شود که اراده برای قدرت یافتن را نشان می‌دهد.» و یک شخص واقعی به قول نیچه، «کسی است که نهایتاً یک فاتح است.»

او در برابر این نظام اخلاقی ضعف و حِلْم تسلیم نمیشه. بلکه ما رو به سوی نظام اخلاقی قوت، رفتار مردانه و انواع این چیزها دعوت می‌کنه. و دوباره، شخص ایده‌آل کسی هست که تصویر فاتح رو نشون میده. به این دلیل که

آدولف هیتلر پیش از به قدرت رسیدن در آلمان، نسخه‌ی کتاب‌های نیچه رو به عنوان هدیه‌ی کریسمس به ملازمانش داد.

حالا چیزی که برای من جذابه، اینه که وقتی عیسی به روح‌القدس به‌عنوان پاراکلیتی دیگر، تسلی دهنده‌ی دیگر اشاره می‌کنه، این مفهوم به طور گسترده در فرهنگ ما مورد سوء تفاهم قرار گرفته. وقتی به کسی فکر می‌کنیم که تسلی می‌ده، به کسی فکر می‌کنیم که در دردهامون به ما کمک می‌کنه، کسی که اشک‌هامون رو از چشممون پاک می‌کنه و وقتی مشوش و محزونیم، به ما دلداری می‌ده.

حالا وقتی عیسی، روح‌القدس رو تسلی دهنده‌ی دیگر یا پاراکلیتی دیگر خطاب می‌کنه، در مورد این چیزها صحبت نمی‌کنه. حالا، برای اینکه منظورم رو اشتباه درک نکنید، بذارید به سرعت اضافه کنم که عهدجدید تعلیم می‌ده که خدا به قومش تسلی می‌ده. در واقع، تولد مسیح به عنوان ظهور تسلی اسرائیل اعلام شد.

پس منظورم این نیست که بگم خدا در دردها و رنج‌هامون حضور نداره یا روح‌القدس نمیاد و به ما خدمت نمی‌کنه. او همه‌ی اینها رو انجام می‌ده. او به ما آرامشی رو می‌ده که فوق از درکه. اما اینجا، عیسی به این اشاره نمی‌کنه. اصطلاح "پاراکلیتوس"، این کلمه‌ی یونانی برگرفته از فرهنگ یونانی هست و ما در مرحله‌ی اول می‌تونیم یونانی رو بررسی کنیم، من با نسخه‌ی انگلیسی این کار رو می‌کنم، پیشوند "پارا" یعنی "در کنار". ما به خدمات کمکی، دستیار وکیل، دستیار پزشک یا هر چیزی فکر می‌کنیم.

کسی یا چیزی که "پارا" هست، کسی یا چیزی که در کنار دیگری قرار می‌گیره. یکی از معروف‌ترین کلماتی که در کتاب مقدس داریم، کلمه‌ی مَثَل یا در انگلیسی "پارایل" هست، که برگرفته از پیشوند "پارا" و ریشه‌ی "بَلِئُو" هست، یعنی پرتاب کردن، پس مَثَل چیزی که به کنار چیز دیگه پرتاب میشه. وقتی عیسی می‌خواد نکته‌اش رو توضیح بده، این داستان کوچیک رو در کنارش می‌گذاره تا اونو توضیح بده.

حالا، اینجا کلمه‌ی "پاراکلیتوس" رو داریم که برگرفته از فعل "کَالِئُو" هست، یعنی فراخواندن. پس این کلمه به طور تحت‌اللفظی از مفهوم کسی میاد که فراخوانده شده که در کنار کس دیگه‌ای قرار بگیره. حالا عملکردش در فرهنگ یونانی این بود که پاراکلیت، وکیل خانوادگی بود، کسی که هرگاه مشکلی ایجاد میشد و به کسی نیاز داشتید که از شما در این چالش دفاع کنه، پاراکلیت تون رو صدا می‌کردید، کسی که معمولاً ملازم همیشگی شما بود.

او وکیل خانوادگی بود. برای دفاع از شما، در اتهاماتی که باید متحمل می‌شدید، حاضر میشد. پس این ایده در دنیای یونان باستان مطرح بود. پاراکلیت، مدافع و تقویت کننده هست، کسی که برای کمک به شما در سختی‌ها حضور داره. حالا، یکی از چیزهایی که همیشه من رو متعجب می‌کنه، اینه که این کلمه‌ی یونانی که توسط یوحنا

در رسالاتش بکار رفته، اینجا در انجیلش هم بکار می‌بره، اما ترجمه‌های قدیمی، وقتی در نامه‌های یوحنا به "پاراکلیتوس" می‌رسند، اون رو تسلی دهنده یا مددکار ترجمه نکردند.

اون رو مدافع ترجمه کردند. «اگر کسی گناهی کند، شفيعی [مدافع] داریم نزد پدر یعنی عیسی مسیح عادل.» خُب، در یونانی، "پاراکلیتوس" رو داریم. یک پاراکلیت داریم. و اینجا من میگم مسیح، پاراکلیت اصلی هست، اما ما اینطوری در مورد او فکر نمی‌کنیم، اما به خاطر ترجمه‌های قدیمی‌تر درک می‌کنیم که عیسی، مدافع ما خطاب شده.

حالا مدافع چیه؟ در اصل، مدافع در زبان انگلیسی به طور خاص به وکیل اشاره می‌کرد. وکیل، کسی بود که از پرونده‌ی کسی دیگه برای اونها دفاع می‌کرد، و این تصویری هست که در عهدجدید در مورد عیسی می‌بینیم.

همونطور که قبلاً گفتم، یکی از چیزهایی که من رو متعجب می‌کنه و جانم رو هیجان زده می‌کنه، اینه که عیسی درباره‌ی جایگاه ما در برابر تخت داوری خدا در پایان زندگی مون صحبت می‌کنه که مسیح، خودش داور زندگان و مردگان خواهد بود و خدا، مسیح رو مقرر کرده که داور زمین باشه، ولی به عنوان مدافع ما هم عمل می‌کنه. چی بهتر از این.

وقتی ما در محاکمه در برابر خدای قادر مطلق حاضر می‌شیم، مسیح به عنوان داور خواهد بود، بر روی صندلی به عنوان داور نشسته، ما وارد دادگاه می‌شیم و متوجه می‌شیم که وکیل مدافع ما داوری می‌کنه و این واقعاً عالیه، وقتیکه این به نفع تون عمل می‌کنه. اما به هر حال، عیسی مسیح، مدافع یا پاراکلیت ماست که در برابر پدر از ما دفاع خواهد کرد.

اما ما نه تنها به مدافع در برابر پدر نیاز داریم، بلکه به مدافع در برابر دنیای متخاصم هم نیاز داریم و عیسی در این گفتگو درباره‌ی تنفر و جفا و رنج‌ها، وقتی در برابر شاگردانش می‌گه اونها شما رو به شوراها می‌برند و همه‌ی این چیزها؛ می‌گه نگران نباشید که اون موقع باید چی بگید.

در آن ساعت این به شما داده خواهد شد. چرا؟ چون من مدافع دیگری رو می‌فرستم. پاراکلیت تون رو می‌فرستم، وکیل خانوادگی تون رو که دائماً حافظ شماست. من روح‌القدس رو می‌فرستم.

خُب، معلومه که می‌تونید فرق بین کاری رو ببینید که در اون روح‌القدس در کنارمون می‌ایسته تا ما رو تشویق کنه، از ما دفاع کنه و ما رو در کشاکش این نبرد تقویت کنه؛ فرق بین این تصویر و تصویر روح‌القدس که بعد از نبرد نزد ما میاد، وقتی ما مورد وحشی‌گری قرار گرفتیم و درهم شکستیم و کتک خوردیم و او میاد و ما رو دلداری میده. این یک تصویر کاملاً متفاوته.

تصویر تسلی دهنده، تصویر کسی نیست که میاد اشکها مون رو بعد از نبرد پاک کنه، بلکه میاد تا برای نبرد به ما قوت و شجاعت بده. پس چرا او تسلی دهنده نامیده شده؟ خُب، دوباره، این یکی از اشتباهاتی هست که در هنگام پیشرفت زبان اتفاق میفته.

زبان، به مرور زمان با تغییرات کوچک تدریجی و تکاملی مواجه میشه. ما کلمه‌ی تسلی یا تسلی دهنده رو در نظر می‌گیریم و به عصر ملکه الیزابت برمی‌گردیم و می‌بینیم که در اون زمان در تاریخ انگلیس، کلمه‌ی تسلی دهنده، با ریشه‌های لاتینش ارتباط خیلی نزدیکی داشت تا با کاربرد امروزی اون.

دوباره، کلمه‌ی تسلی برگرفته از دو کلمه‌ی لاتین هست، "کام"، یعنی "با"، کام فورته"، "با فورته". حالا کلمه‌ی "فورته" رو کجا دیدید؟ اگه موسیقی نواخته باشید، یا پیانو نواخته باشید، یادتونه که اسم ابزار موسیقی "پیانو"، یک اسم مختصر برای ابزار موسیقایی هست که در اصل پیانو فورته نامیده میشه.

چرا؟ چون در فناوری ساخت ابزارآلات موسیقایی، چیزی که باعث شد پیانو متفاوت از هارپسی کورد باشه، این بود که پیانو، متحرکی در ابزارش داشت که می‌تونستید نُصداً اون رو تنظیم کنید. اگر کلید رو ملایم بنوازید، صدای آرومی داره.

اگر با شدت بیشتری بنوازید، معلومه که صدای بلندتری خواهد داشت، درسته؟ پس اگه نت موسیقی رو بخونید، راهنمای نواختن ابزار موسیقی رو خواهید دید، شاید یک "پی" کوچک رو در کنار بخش یا قالب موسیقی ببینید و اون نشون دهنده‌ی اینه که باید آهسته نواخته بشه.

شاید دو تا "پی" ببینید؛ یعنی واقعاً آهسته نواخته بشه یا شاید یک "اف" رو ببینید؛ یعنی با صدای بلند یا قدرت بیشتری بنوازید و دو تا "اف" رو می‌بینید و در اینجا بر روی کلیدها می‌کوبید. پس پیانو فورته یعنی آهسته و بلند یا آهسته و قوی، و می‌تونم به شما بگم: «فورته شما چیه؟» یعنی نقطه‌ی قوت شما چیه، صفت بارزتون چیه.

حالا، این مفهوم اولیه‌ی این اصطلاح بود کلمه‌ی تسلی، در واقع یعنی قوت، نه دلداری. پس نکته اینه که دلیل اینکه متن قدیمی، پاراکلیت رو تسلی دهنده خطاب کرده، این بود که عیسی گفت: «وقتی با همه‌ی این مخالفت‌های خصومت‌آمیز و تنفر این دنیا مواجه شدید، دل‌سرد نشوید، چون من کسی را می‌فرستم که در حضورتان باشد، و او با قوت نزد شما خواهد آمد.»

و این کار اولیه‌ی روح‌القدس در اینجاست، که بیاد و قوم خدا رو تقویت کنه تا در رنج و عذاب ترسناک، شجاعت داشته باشند. به نظرم، مثلاً بیانیه‌ی پولس که میگه در مسیح ما از حد زیاده نصرت یافتیم، "هوپرنیکان"، اینجا یک کلمه‌ی یونانی هست. یعنی آبر، در واقع در لاتین "سوپر وینسیموس" هست. ما آبر فاتحان هستیم.

وقتی این رو خوندم به یاد نیچه افتادم و گفتم: «نیچه، تو فاتحان رو می‌خوای، خوبه، ما فاتحان رو به تو خواهیم داد، فاتحانی که توسط خدای روح‌القدس رشد کردند، روح‌القدسی که قومش رو تقویت می‌کنه و یکی از راه‌های کلیدی که او ما رو برای رویارویی با دنیا تقویت می‌کنه، به وسیله‌ی حقیقته.

همونطور که در این صحبت‌ها می‌بینیم، عیسی می‌گه: «لیکن چون تسلی دهنده که او را از جانب پدر نزد شما می‌فرستم آید، یعنی روح راستی که از پدر صادر می‌گردد.» و بعد در ادامه در آیه‌ی ۱۲ از باب ۱۶ می‌گه: «و بسیار چیزهای دیگر نیز دارم به شما بگویم، لکن الان طاقت تحمل آنها را ندارید. ولیکن چون او یعنی روح راستی آید، شما را به جمیع راستی هدایت خواهد کرد زیرا که از خود تکلم نمی‌کند بلکه به آنچه شنیده است سخن خواهد گفت و از امور آینده به شما خبر خواهد داد. او مرا جلال خواهد داد زیرا که از آنچه آن من است خواهد گرفت و به شما خبر خواهد داد. هرچه از آن پدر است، از آن من است. از این جهت گفتم که از آنچه آن من است، می‌گیرد و به شما خبر خواهد داد.» پس دوباره می‌بینیم که خدمت روح‌القدس اینه که کار مسیح رو در قومش بکار بیره، و او با تقدیس ما، مکشوف کردن حقیقت خدا به ما، و با قوتش که بر ما میاد، این کار رو می‌کنه.

به نظرم این سخنرانی، یک سخنرانی خیلی مهم در عهدجدیده، یوحنا باب ۱۴، ۱۵، ۱۶ و ۱۷، که ما سخنرانی بالاخانه می‌نامیم. این جلسه‌ی تعلیم نهایی عیسی با شاگردانش در شبی هست که قبل از اعدامش به او خیانت شد. و عزیزان، این مهمه که در این چهار بابی که یوحنا به ما میده، در مقایسه با بقیه‌ی عهدجدید، به اطلاعات بیشتری درباره‌ی شخص و کار خدای روح‌القدس دست می‌یابیم.

این بخش مهم و شگفت‌انگیزی در کتاب مقدسه که درباره‌ی شخصیت روح‌القدس و مأموریت روح‌القدس به ما تعلیم میده و زمانی اتفاق می‌فته که عیسی شاگردانش رو برای عزیمت قریب الوقوعش آماده می‌کنه و در ترس‌هاشون به اونها کمک می‌کنه، "بعد از اندکی مرا نخواهید دید. من دیگه با شما نخواهم بود، اما شما رو بدون تسلی رها نمی‌کنم؛ یعنی شما رو بدون قوت رها نمی‌کنم." آنها با حضور او تقویت شده بودند؛ با حضورش شجاعت یافته بودند، همونطور که می‌تونید تصورش رو بکنید.

اما حالا رهبرشون از اونها جدا میشه و او گفت: "اشکالی نداره، چون وقتی من برم، یک تقویت کننده دیگه رو براتون خواهم فرستاد، پاراکلیت دیگری که با شما خواهد بود تا حقیقت رو به شما اعلام کنه و شما رو تشویق خواهد کرد و از شما دفاع خواهد کرد و کاری می‌کنه که شما در مشکلات، به من وفادار باشید.

و او در روز پنطیکاست این کار رو کرد، وقتی روح‌القدس رو برای کلیسا و قومش فرستاد تا اونها رو تقویت کنه، تشویقشون کنه و وقتی جفاها اومد، کلیسای مسیح در دوران باستان شکوفا شد، چون اینها کسانی بودند که آگاهانه از قوتی که مسیح بهشون داده بود تا در برابر دنیای متخاصم بایستند، آگاه بودند.